

یادداشت توضیحی درباره‌ی استفاده‌ی عفو بین‌الملل از اصطلاح «اعدام‌های فراقضایی» در رابطه با کشتار ۶۷

این یادداشت به منظور ارائه‌ی توضیحات و اطلاعات تکمیلی در خصوص استفاده‌ی سازمان عفو بین‌الملل از اصطلاح «اعدام‌های فراقضایی» در گزارش خود در دسامبر ۲۰۱۸ است: این سازمان در آن گزارش - با عنوان اسرار به خون آغشته: کشتار ۶۷ - جنایتی علیه بشریت که همچنان ادامه دارد - اصطلاح «اعدام‌های فراقضایی» را در توصیف کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷ در ایران به کار برده است. در این یادداشت به اجمال درباره‌ی اصطلاحات حقوقی «اعدام‌های شتابزده»^۱ و «اعدام‌های فراقضایی»^۲ و نحوه‌ی اطلاق آن‌ها به کشتارهای زندانیان در سال ۱۳۶۷ بحث می‌شود. در ادامه، این نکته نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که ارزیابی کشتارهای سال ۱۳۶۷ به عنوان «اعدام‌های فراقضایی» چه تبعات جزایی، از جمله برای مسئولان قضایی ایران که در این کشتارها دست داشته‌اند، خواهد داشت.

این یادداشت توضیحی یک متن مستقل نیست و باید به همراه آن گزارش مد نظر قرار گیرد.

ارزیابی کشتارهای زندانیان در سال ۱۳۶۷ به عنوان اعدام‌های فراقضایی

به دنبال انجام تحقیقات و تحلیل‌های حقوقی گسترده، از سال ۲۰۱۶ میلادی، تحولی در تحلیل حقوقی عفو بین‌الملل از ماهیت کشتارهای زندانیان در سال ۱۳۶۷ رخ داده، و این سازمان آن کشتارها را دیگر نه تنها به عنوان «اعدام‌های شتابزده» بلکه به منزله‌ی «اعدام‌های فراقضایی» نیز مد نظر قرار داده است. همچنان که در ادامه شرح داده می‌شود، این تحول از منظر تعقیب کیفری و تبعات جزایی حائز اهمیت به شمار می‌رود؛ در عین حال، هدف آن به چالش کشیدن و تشکیک در توصیف پیشین کشتارهای سال ۱۳۶۷ به عنوان «اعدام‌های شتابزده» نیست.

هیچ معاهده‌ی بین‌المللی وجود ندارد که تعاریفی از دو مقوله‌ی اعدام‌های «شتابزده» و «فراقضایی» ارائه کند، و بعضاً اختلاف نظرانی در زمینه‌ی تمایزگذاری بین این دو مقوله و نحوه‌ی کاربرد آن‌ها توسط سازمان‌های بین‌دولتی، سازمان‌های غیردولتی و سایر سازمان‌ها دیده می‌شود.

تعریفی که عفو بین‌الملل از «اعدام فراقضایی» ارائه می‌کند از این قرار است: قتل عامدانه‌ی یک نفر که به امر یک حکومت، یا با همدستی و یا با اطلاع آن انجام می‌شود.^۳ اعدام‌هایی فراقضایی معمولاً بدون تظاهر به قانونی بودن‌شان به اجرا گذاشته می‌شوند. با این حال، عفو بین‌الملل بر این باور است که اصطلاح «اعدام فراقضایی» به علاوه شامل مواردی می‌شود که یک نفر به امر حکومت و به اتکای روال‌های عجولانه و خودسرانه‌ای کشته می‌شود که ناقض اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین التزامات قضایی است و بنابراین چنان اعدامی را به هیچ شیوه‌ی موجهی نمی‌توان نتیجه‌ی یک دادرسی قضایی به شمار آورد.

عفو بین‌الملل در گزارش دسامبر ۲۰۱۸ توضیحات مشروحی درباره‌ی این نتیجه‌گیری خود ارائه داده است که روال‌های جاری در «هیأت‌های مرگ» که به اعدام‌های گسترده در سال ۱۳۶۷ منجر شدند با هیچ‌یک از موازین دادرسی عادلانه یا التزامات قضایی مطابقت نداشته و چنان شتابزده و خودسرانه بوده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را مورد یک روال قضایی واقعی در نظر گرفت.

هیأت‌هایی که بازماندگان با عنوان «هیأت‌های مرگ» از آن‌ها یاد می‌کنند، شباهتی به دادگاه نداشتند:

- آنها در چارچوب قوانین و مقررات موجود عمل نمی‌کردند.
- هدف‌شان تشخیص گناهکاری یا بی‌گناهی زندانیان به ارتکاب جرمی که در عرف بین‌المللی به رسمیت شناخته شده باشد، نبود.
- به زندانیان گفته نمی‌شد دلیل سؤالاتی که از آن‌ها می‌پرسند چیست و اینکه جواب‌هایشان ممکن است به صدور حکم مرگ برایشان منجر شود. بعضی از زندانیان تحت این تصور اشتباه بودند که در برابر «کمپته‌ی عفو» قرار گرفته‌اند.
- به زندانیان تا مدت کوتاهی قبل از اعدام‌شان اطلاع نمی‌دادند که به مرگ محکوم شده‌اند؛ آن‌ها گاهی فقط وقتی از سرنوشت ناگزیر خود باخبر می‌شدند که کاغذ و قلمی به آن‌ها داده می‌شد تا وصیت‌نامه‌ی خود را بنویسند. حتی در آن زمان هم زندانیان نمی‌دانستند که چه موقع و چگونه کشته خواهند شد، تا این که آن‌ها را مقابل جوخه‌ی اعدام قرار می‌دادند و یا طناب دار را به دور گردن‌شان می‌انداختند.
- امکان درخواست تجدید نظر و استیناف در هیچ مرحله‌ای وجود نداشت.

از این رو، عفو بین‌الملل بر این باور است که آن اعدام‌های انبوه ماهیتاً هم «شتابزده» و هم «فراقضایی» بوده‌اند.

عفو بین‌الملل در آن گزارش از اصطلاح «اعدام فراقضایی» استفاده کرده تا بر اساس یافته‌های مستند و حقوقی خود، موضع این سازمان در رد ادعاهای کذب مقام‌ها و مسئولان ایرانی را برجسته‌تر کند، ادعاهایی مبنی بر آن که کشتارهای سال ۱۳۶۷ به دنبال برگزاری جلسات محاکمه انجام شده و این محاکمات اگرچه ممکن است با بعضی از موازین بین‌المللی برای محاکمه‌ی عادلانه همخوان نبوده باشند (همچنان که بسیاری از محاکمات در سراسر دنیا چنین هستند)، با این حال به منزله‌ی دادرسی و روال قضایی محسوب می‌شوند.

^۳ برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، برنامه‌ی ۱۴ بخشی برای ممانعت از اعدام‌های فراقضایی، ۷ آوریل ۱۹۹۳، قابل دسترس در: <https://www.amnesty.org/en/documents/pol35/003/1993/en/>

همچنین، برای عفو بین‌الملل اهمیت داشته است که نتیجه‌گیری حقوقی خود را در این باره اعلام کند که تک تک آن اعدام‌ها به خودی خود، از منظر قوانین بین‌المللی، جرم محسوب می‌شوند - فارغ از این که آن‌ها بخشی از «حملات گسترده یا سازمان‌یافته به غیرنظامیان» در نظر گرفته شوند که از جمله شرایط لازم برای اثبات «جنایت علیه بشریت» است. در منابع حقوق بین‌الملل، همواره از اصطلاح «اعدام فراقضایی» برای موارد سلب خودسرانه حق حیات که می‌تواند جرم بین‌المللی به شمار بیاید، استفاده شده است.

متهمان در جایگاه قدرت

توصیف کشتارهای زندانیان در سال ۱۳۶۷ به عنوان «اعدام‌های فراقضایی» نافی مسئولیت مجرمانه‌ی آن عده از اعضای دستگاه قضایی نیست که در «هیأت‌های مرگ» حضور داشته‌اند. به عکس، عضویت این اشخاص در آن هیأت‌ها آنان را در مظان این اتهام قرار می‌دهد که در جرایم بین‌المللی مسئولیت کیفری مجرمانه داشته‌اند.

عفو بین‌الملل در گزارش خود به شکل مشروح توضیح داده است که مسئولان قضایی و دادستانی در کشتار عامدانه و غیرقانونی مخالفان و دگراندیشان سیاسی در سال ۱۳۶۷ مشارکت داشته‌اند؛ این کشتار در پی صدور دست کم یک فتوا از جانب روح‌الله خمینی (رهبر کشور در آن زمان) صورت گرفت که به تشکیل کمیته‌های سه‌نفره در هر استان، مرکب از مسئولان قضایی و دادستانی و اطلاعاتی، حکم داده بود.

عفو بین‌الملل شواهد و گزارش‌هایی را جمع‌آوری و مورد بررسی قرار داده است که نشان می‌دهند مقام‌ها و مسئولان زیر در «هیأت‌های مرگ» عضویت و مشارکت داشته‌اند:

- **علیرضا آوایی**، وزیر فعلی دادگستری که دادستان کل دزفول در استان خوزستان بود و مأمور شده بود که در «هیأت مرگ» آن شهر مشارکت کند.
- **حسینعلی نیری**، که به عنوان حاکم شرع در «هیأت مرگ» شهر تهران حضور داشت، در سال ۱۳۶۸ به معاونت رئیس دیوان عالی کشور رسید و تا شهریور ۱۳۹۲ در این مقام باقی ماند. نیری بعداً به ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات رسید و در حال حاضر همین منصب را در اختیار دارد.
- **ابراهیم رئیسی**، که معاون دادستان کل تهران در سال ۱۳۶۷ و یکی از اعضای «هیأت مرگ» در این شهر بود، از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ دادستان کل تهران، از ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ معاون اول رئیس قوه قضائیه، از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ دادستان کل کشور و از اسفند ۱۳۹۷ رئیس قوه قضائیه بوده است.
- **محمدحسین احمدی**، که حاکم شرع استان خوزستان در سال ۱۳۶۷ و از اعضای «هیأت مرگ» در این استان بود و در حال حاضر عضو «مجلس خبرگان» است. او همچنین حدود یک دهه، در دهه‌ی ۱۳۸۰، رئیس تشکیلاتی بود که مسئولیت انتخاب و انتصاب قضات در سرتاسر کشور را بر عهده دارد.
- **مصطفی پورمحمدی**، که نمایندگی وزارت اطلاعات در «هیأت مرگ» در تهران را بر عهده داشت و در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ وزیر دادگستری کشور بود.

عفو بین‌الملل خواهان انجام تحقیقات جنایی مستقل و بی‌طرفانه در مورد این اعدام‌های فراقضایی شده و همچنین خواهان آن شده است که تمام اشخاصی که شواهد مکفی و قابل استناد در خصوص دخالت آنان در این جرایم وجود دارد در دادگاه‌های مدنی و بنا به روال‌های مطابق با موازین بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند. این محاکمه‌ها باید عادلانه و بدون توسل به صدور یا اجرای مجازات مرگ برگزار شوند.

با توجه به این که هیچ چشم‌اندازی برای تحقق عدالت در رابطه با قربانیان این جرایم در داخل کشور دیده نمی‌شود، عفو بین‌الملل از سازمان ملل درخواست کرده است تا با انجام تحقیق و تفحص در مورد این اعدام‌های فراقضایی به کشف حقیقت اقدام کند، امکان تعقیب قضایی و مجازات مسئولان جرایم را فراهم آورد و جبران خسارت از بازماندگان و خانواده‌های قربانیان را ضمانت کند.